

واکاوی مؤلفه‌های وحدت اسلامی در اشعار احمد محرم

مالک عبدی*

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه ایلام

(از ص ۱۹۹ تا ۲۱۶)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۵

چکیده

وحدت اسلامی از موضوعاتی است که از همان بدو ظهور اسلام مورد توجه پیامبر اعظم (ص) و امامان معصوم (ع) بوده و ایشان همواره تلاش داشته‌اند تا از طریق نهادینه‌سازی اصول اسلامی مسلمانان را از تفرقه بازداشته و تعالیم وحدت‌جویانه فراموش‌شده را دگرباره در عرصه تعاملات بشری متبلور سازند. در این راستا اکثر شاعران عرب نیز همت بر آن گماشته‌اند که مسلمانان را به وحدت اسلامی فراخوانده و رگه‌هایی از حمیت اسلامی را بر لوح اندیشه آنان نقش زنند. احمد محرم از جمله شاعرانی است که در جای‌جای دیوانش نمایه‌های دعوت به وحدت اسلامی به چشم می‌خورد. هدف از پردازش شعر وی از منظر رخدادهای وحدت‌جویانه، تبیین نحوه نگرش شاعر به مقوله وحدت و اتحاد، و بیان تکیه‌گاه‌های محوری اندیشه او در طرح چنین مضامینی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد مسائلی چون: نقد شرایط اسفناک سیاسی و اجتماعی حاکم بر بلاد عربی، ارائه الگوی کلان وحدت اسلامی و نه وحدت عربی صرف؛ برجسته‌سازی جلوه‌های حماسی و شور عربیت به‌عنوان پشتوانه‌ای سترگ برای عینیت‌بخشی به مضامین وحدت؛ استناد به آموزه‌های قرآن کریم به‌عنوان پشتوانه‌ای سترگ برای عینیت‌بخشی به مضامین وحدت‌گرایانه مطمح نظر شاعر بوده است. نگارنده در این پژوهش با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی (کتابخانه‌ای) به تبیین تکیه‌گاه‌های شعری احمد محرم در حوزه مضامین وحدت‌گرایانه می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: وحدت اسلامی، ادبیات دینی، شاعران عرب، شعر مصر، احمد محرم.

۱. مقدمه

وحدت اسلامی در شعر عربی هرچند موضوع تازه‌ای نیست و در شعر شاعران گذشته نیز می‌توان جستارهایی کاوشگرانه از آن یافت، اما می‌توان ادعان داشت که در دوره معاصر جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است. با توجه به رخدادهای گونه‌گون فرهنگی - عقیدتی و تحولات گسترده و شگرف سیاسی و ژئوپولوتیک که امروزه جهان عرب را در نوردیده و حتی ساحت‌های حاکمیتی آن را نیز تحت‌الشعاع خود قرار داده است، و نیز با توجه به دامنه اختلافاتی که در سطوح مختلف، خوشه‌های خشم خود را بیشتر از پیش در دامن امت اسلام می‌افکنند، شاعران تلاش کرده‌اند تا با دنباله‌روی از تعالیم اسلامی در اشعار خود مسلمانان را به وحدت فراخوانند و آن را مهم‌ترین رمز پیروزی مسلمانان در مقابل ظلم استبداد قلمداد کنند. همچنین باورمندی به این قضیه را به‌نحوی ملموس‌تر در ساحت‌های فکری آنان بپروراندند. با نگاهی به شعر معاصر عرب آنچه قابل ملاحظه است، توجه بیشتر شاعران عرب به وحدت قومی است و کمتر به مقوله وحدت اسلامی توجه شده است، «اما شاعرانی نیز هستند که موضوع وحدت اسلامی را دست‌مایه کاوش‌های ادبی خود قرار داده و به نقش آن در یکپارچگی مسلمانان توجه نموده‌اند و اشعاری در این زمینه سروده‌اند» (قاسمی، ۱۳۹۲: ۱۱). احمد محرم از جمله شاعرانی است که در مراحل بسیار مهم سیاسی کشور خود زندگی کرده و در کوران اتفاقات منطقه‌ای دوران خود روزگار گذرانده و سال‌های عمرش را همواره در بستری از تحولات قومی و جنبش‌های میهن‌پرستی سپری کرده است، شرایط نابه‌سامان سیاسی و اجتماعی حاکم بر عصر شاعر سبب سوق دادن وی به سرایش‌هایی شده است که مضمون بیشتر آنها ملی‌گرایی و وطن‌خواهی و برجسته‌سازی مطالبات وحدت‌جویانه است. در شرایطی که کشورهای عربی با چالش‌های استعمار و استبداد روبه‌رو بوده‌اند، احمد محرم با اشعار ملی‌گرایانه خود سعی در بیداری اعراب و دعوت آنها به اتحاد برای رهایی از یوغ استعمار داشته و همواره برای طیف مخاطبان خویش، از مخاطرات سرسپردگی به قوای سلطه‌خواه و در دام آنها افتادن سخن رانده است. تبلور عینی حس اتحاد و همبستگی در اشعار این شاعر و درون‌مایه‌های اسلامی - انسانی مقوله یکپارچگی امت اسلام در اندیشه او، که در پوششی زیبا از واژگان حماسی و شورانگیز عینیّت یافته است، محقق را بر آن داشت تا مؤلفه‌های وحدت اسلامی را در اشعار بررسی کند و از این رهگذر به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. دلایل نمود یافتن وحدت اسلامی در اشعار احمد محرم کدام‌اند؟
 ۲. مؤلفه‌های اتحاد در اشعار احمد محرم بیشتر حول چه محوری است؟
 ۳. شاعر، اندیشه‌های وحدت‌طلبانه خود را چگونه در قالب الفاظ آراسته است؟
- با توجه به شرایط نابسامانی که در جوامع کنونی جهان عرب شاهد آن هستیم، مسئله وحدت اسلامی یکی از مسائل بنیادی است که شاعران به آن توجه کرده‌اند و در اشعار خود از آن سخن گفته‌اند. تعداد مطالعاتی که درباره وحدت اسلامی صورت گرفته است، بسیار زیاد است؛ لذا برای پرهیز از زیاده‌گویی تنها به ذکر برخی از آنها اشاره می‌کنیم؛ از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به وحدت اسلامی و نقش شاعران معاصر در تحکیم آن از لیلیا قاسمی و محمد مظاهری (۱۳۹۲)، فصلنامه علمی پژوهشی نقد ادب معاصر عربی اشاره کرد. درباره احمد محرم نیز می‌توان به پژوهش‌های ذیل اشاره کرد: الوطنیة الصادقة فی اشعار احمد محرم از حامد صدقی و احمد رضا صاعدی (۱۴۳۰-۱۴۳۱) که در مجله اللغة العربیة و آدابها به چاپ رسیده و نگارندگان در آن به روحیات وطن‌خواهی صادقانه شاعر پرداخته و موضع‌گیری‌های میهن‌پرستانه و اصلاح‌طلبانه او را در قبال چالش‌ها و آرمان‌های فراروی امت عربی و اسلامی به تصویر کشیده‌اند. صبا حکمتی نیز در پایان‌نامه دوره کارشناسی‌ارشد خود با عنوان «بررسی مضامین سیاسی در شعر احمد محرم» که به راهنمایی عبدالاحد غیبی در دانشگاه شهید مدنی آذربایجان در سال ۱۳۹۲ به انجام رسیده است، به تأثیرگذاری او بر عواطف و اندیشه‌های سیاسی مردم مصر و جهان عرب پرداخته و از نقش برجسته او در جهت‌دهی به این شور سیاسی و به‌کارگیری آن در جهت تحقق منافع امت اسلام و مردم مصر سخن به میان آورده است.
- در مقاله الشعر الاسلامی فی اشعار احمد محرم از عبدالله فتوحی الظاهر (۱۴۳۳-۲۰۱۲)، مجلة كلية العلوم الاسلامیة، نیز مؤلف به‌صورت کلی و با نگاهی کلان به نمود شاخصه‌های شعر اسلامی در نزد این شاعر پرداخته است. در پایان‌نامه دیگری با عنوان «شرح و تحلیل ادبی و مضامین تاریخی دیوان احمد محرم از غزوة بدر الکبری تا پایان شهدای بدر» به نگارندگی مصطفی عزتی و راهنمایی یدالله رفیعی که در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به دفاع رسیده است نیز نگارنده از دو منظر تاریخی و ادبی - هنری به بررسی مضامین دیوان شاعر پرداخته است. اما در حوزه موضوع مورد بحث این پژوهش (وحدت اسلامی در اشعار احمد محرم)، همان‌گونه که از عناوین پژوهش‌های پیشین برمی‌آید، کاری مستقل و منحصر به تحلیل‌های وحدت‌محور در شعر این شاعر به چشم

نمی‌خورد که نمایه‌های واضح و برجسته‌ای را از نحوه پردازش مضامین وحدت‌آفرین در نزد این شاعر پیش روی مخاطبان قرار دهد؛ بنابراین، در پژوهش حاضر با دست‌مایه قراردادن همین محور اساسی برای پردازش مضامین وحدت‌محور، این مؤلفه مهم را در اشعار او بررسی خواهیم کرد.

۲. وحدت در لغت و اصطلاح

کلمه «وحدت» از ریشه «وَحَدَّ» گرفته شده و به معنای «تنها بودن» و «یکی بودن» به کار می‌رود؛ چنان‌که در *لسان‌العرب* آمده است: «و حکى سيبويه: الْوَحْدَةُ فِي مَعْنَى التَّوْحُدِ وَ تَوَحَّدَ بِرَأْيِهِ: تَفَرَّدَ بِهِ» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۸۵). فرهنگ‌های فارسی، از جمله لغت‌نامه دهخدا نیز وحدت را به معنای «یکی شدن، یگانگی داشتن، پیوستگی و همدستی» دانسته‌اند (دهخدا، ۱۳۷۷: «وحدت»); به عبارت دیگر، وحدت عبارت است از اشتراک گروهی در یک مرام و مقصد، اشتراک همه افراد ملت در آمال و مقاصد که مجموعه واحدی به شمار آیند (معین، ۱۳۷۱: «وحدت») و در اصطلاح به معنا و مفهوم یکتایی و یگانگی است.

این اصطلاح در حوزه سیاسی به معنای اتحاد و همبستگی اجتماعی میان ملت، امت و شهروندان جامعه، کشور و یا کشورها و جوامع به کار می‌رود؛ از این رو، هرگاه از وحدت در حوزه علوم سیاسی و اجتماعی سخن می‌رود به معنای اتحاد است (ابراهیم مصطفی و آخرون، ۱۳۸۵: ۱۰۱۷). در تعریف دیگر وحدت این‌گونه آمده است: وحدت در اصطلاح به معنای انفراد است. واحد مطلقاً جزئی ندارد؛ چون واحد در وصف خداوند می‌آید؛ یعنی تجزی و تکثر در آن راه ندارد (راغب اصفهانی، ۱۳۷۳: ۸۵۷). همچنین در تعریف آن آمده است که منظور از وحدت اسلامی التزام قلبی و عملی به مشترکات اسلام است که به طور قطع ثابت شده و در زمان رسول اکرم (ص) مورد قبول همه بوده و معیار اخوت اسلامی است (صادقی اردستانی، بی‌تا: ۵۰۲). قرآن کریم با تعبیر مختلفی بر وحدت اسلامی تأکید نموده است. عبارات قرآنی در مورد وحدت اسلامی عبارت‌اند از: «واعتصموا، اصلحوا، رابطوا، تعاونوا، السلم، إصلاح بین الناس، أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ، أمة واحدة، الأخوة و المودة، يُمسكون بالكتاب». اعتصام به «جبل‌الله» در آیات قرآن کریم به طور آشکار به‌عنوان اساس وحدت اسلامی محسوب شده که در شکل‌ها و قالب‌های مختلفی ظاهر می‌شود (مطهری، ۱۳۸۹: ۹۰).

۳. زندگی‌نامه احمد محرم

احمد محرم بن حسن شرکسی از شعرای معروف مصری است. در سال ۱۸۷۷ میلادی در روستای ابیاء حمرا از توابع استان بحیره به دنیا آمد. او با قرآن، حدیث و سیره زندگی پیامبر اسلام آشنایی کامل داشت و اشعار او متأثر از این گنجینه معرفتی گران سنگ بود. احمد محرم با شاعران بزرگی چون احمد شوقی، حافظ ابراهیم، احمد نسیم و سامی البارودی توانستند به شکل و صیانت و طریقه‌های بافتی شعر عربی که در زمان عثمانی دچار انحطاط شده بود رنگی تازه بخشند. وی با حماسه شعری ماندگارش تحت عنوان *مجد الاسلام* که در آن زندگی پیامبر اسلام را در قالب شعر و در سه هزار بیت به شکلی زیبا و در وزنی واحد آورده بود، شهرتی بزرگ یافت (محرم، ۱۹۶۳: ۲).

وی در مراحل بسیار مهم سیاسی کشور مصر زندگی کرد و سال‌های عمرش را همواره با حوادث قومی و جنبش‌های وطنی سپری کرد (الجزاوی، ۱۹۶۴: ۳۹۲) و در سال ۱۹۴۵ یعنی زمانی که جنگ جهانی دوم رخ داد، وفات یافت (کحالة، ۱۹۵۷: ۵۷).

۴. اوضاع سیاسی - اجتماعی عصر شاعر

احمد محرم در یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین دوره‌های سیاسی تاریخ مصر و جهان عرب زندگی کرد. وی سال‌هایی را که مصر و کشورهای عربی سرشار از حوادث قومیتی و دگرگونی‌های ملی بودند نیز به چشم خود دید. در سال ۱۸۷۷ یعنی سالی که سید جمال‌الدین اسدآبادی به مصر آمد (ضیف، ۱۹۵۷: ۱۶) و طی هشت سال اقامت در آنجا، مردم این کشور را به روشنفکری دینی یا نوگرایی دینی در جهان اسلام و همچنین مبارزه با استعمار فرهنگی غرب، به دفاع از دین اسلام دعوت کرد. پس از آن در سال ۱۸۸۱ انقلاب عربی پاشا آغازی خطرناک برای اوج گرفتن موج بیداری و روشنگری سیاسی در مصر بود؛ این انقلاب ناکام ماند و فرجامی جز شکست نداشت. از جمله تأثیرگذارترین دلایلی که در ناکامی این انقلاب دخیل بود، می‌توان به اشغال مصر توسط انگلیس اشاره کرد؛ اشغالی که باعث فرمان‌برداری مردم مصر از اشغالگران و همچنین ناامیدی آنها بعد از اشغالگری شد (الدسوقی، ۲۰۰۳: ۸۲). پس از انقلاب عربی پاشا حرکت جوانان ملی‌گرا (جنبش ملی‌گرایی مصر با هدف کسب استقلال) در مصر با مصطفی کامل آغاز شد؛ حرکتی برای مبارزه با اشغالگری. سپس حادثه معروف «دنشوا» اتفاق افتاد؛ حادثه‌ای که در آن یک افسر انگلیسی که مشغول شکار کبوتر در یک روستای مصری بود، فوت کرد. سرانجام بعد از مرگ مصطفی کامل صدای ملت مصر دیگر شنیده

نشد. پس از آن، جنگ جهانی اول آغاز شد و سرکشی و ظلم اشغالگران افزایش یافت. سپس جنگ پایان یافت و ملت مصر بار دیگر بیدار شد و در سال ۱۹۲۳ انگلیس را مجبور کرد که برخی از حقوق پایمال شده ملت مصر را برگرداند (الزیات، ۲۰۰۵: ۳۰۹). پس از آن احزاب سیاسی تشکیل شد. احزاب سیاسی در آن زمان در کشور مصر عبارت‌اند از: ۱. حزب انگلیسی‌ها، ۲. حزب خدیوی، ۳. حزب ملی‌گرا که با اشغالگری و استعمار مبارزه می‌کند و برای رسیدن به هدف خود از هر وسیله‌ای استفاده می‌کند. این حزب گاهی از نفوذ خدیوی کمک می‌گرفت و گاهی از نفوذ ترکیه و گاهی نیز از نفوذ فرانسوی‌ها. این حزب از جوانان باسواد مصر و دانش‌آموزان حمایت می‌کرد. مصطفی کامل و برخی از اعضای حزب ملی‌گرا و برخی از افراد خدیو عباس و در رأس آنها شیخ علی یوسف، روحیه میهن‌پرستی را در مردم برانگیختند؛ بنابراین، طبیعی است که این روحیه در ادبیات و به خصوص در شعر آن دوره نمایان شود و خود را نشان دهد. با وجود اینکه احمد محرم مستقل از احزاب سیاسی بود، اما در واقع و همان‌طور که در تمام اشعار و آثارش نمایان است، افکارش به حزب ملی‌گرا نزدیک بود (ابوشادی، ۱۹۵۹: ۸ و خفاجی، ۱۹۹۲: ۸). ارتباط وی با حزب ملی‌گرا که مصطفی کامل رهبری آن را بر عهده داشت، تأثیر بسزایی در تقویت روحیه میهن‌پرستی شاعر و همچنین دشمنی وی با اشغالگران انگلیسی داشته است. احمد محرم معاهده سال ۱۹۳۶ و حوادث بعد از آن را نیز به چشم خود دید. وی در آن شرایط زندگی کرد و از آنها تأثیر پذیرفت و در آن نیز تأثیر گذاشت (کحالة، ۱۹۵۷: ۵۷).

۵. محورهای وحدت اسلامی در شعر احمد محرم

احمد محرم یکی از شاعرانی است که در باره وحدت اسلامی چکامه‌های زیبایی دارد و در پردازش مضامین همبستگی سخن به نیکویی رانده است. وی جزء شاعران قومیت‌گرا و اسلامی محسوب می‌شود؛ به طوری که بسیاری از محورهای شعر او را دعوت مسلمانان به وحدت اسلامی و تبعیت از بزرگان این تفکر همچون سید جمال‌الدین افغانی، محمد عبده و ... و نیز محسوس‌سازی خطرات استعمار و پیامدهای گرفتاری در چنگال ابرقدرت‌ها تشکیل می‌دهد. محرم در اشعار خود به این نکته توجه دارد که همه مسلمانان و طیف‌های گونه‌گون آنان با اصناف و اشکال و الوان مختلف باید با یکدیگر همبسته شده و رخت اتحاد بر تن کنند تا بتوانند با دشمنان اسلام و کسانی که قصد القای تفرقه و ایجاد شکاف در میان مسلمانان دارند مقابله کنند. او از همه مسلمانان

می‌خواهد که به سلک یکپارچگی درآیند و یک ملت و امت واحده تشکیل دهند تا بتوانند اسلام و حوزه‌های کارکردی آن را در میان جوامع و ملل مختلف گسترش دهند و از دستاوردهای آن نگاهی‌بانی کنند. وی از تفرقه و صدپارچگی ملت‌های مسلمان می‌نالد و رنجی نهفته در دل دارد و در اکثر اشعار خود جهان اسلام را به وحدت و دوری جستن از دوگانگی و چندگانگی و رویکرد به منطق‌گرایی سفارش می‌کند. او اگر چه به سرزمین و جغرافیایی خاص تعلق داشته است، اندیشه او آفاق سرزمینی خود را درنوردیده و خارج از جغرافیا و محدوده و سرزمینی خاص بوده است و همواره قلبش برای وحدت مسلمین می‌تپیده است. در اشعار محرم، وحدت اسلامی دارای محورهایی است که البته با توجه به هم‌پوشانی برخی از این عناوین و پارامترهای وحدت‌جویانه، می‌توان بعضی از آنها را در دل بعضی دیگر جای داده و به عناوین عام‌تر و جامع‌تری رسید که شاخصه‌های مضمونی ریزتر و دقیق‌تری را در زیرمجموعه خود جای دهد. بنا بر این تقسیم می‌توان عنصر «پرهیز از قومیت‌گرایی» را در ذیل عنوان «پرهیز از اختلاف و تفرقه» جای داد که در اثنای بحث و ایراد شواهد شعری نیز به همین نحو عمل شده است.

۵-۱. پرهیز از اختلاف و تفرقه

پیامبر گرامی اسلام به‌عنوان معمار و پایه‌گذار وحدت مسلمانان در آخرین روزهای عمر خود در هشدار به مسلمانان که نشانه نگرانی ایشان بابت آینده جامعه اسلامی است می‌فرماید: «بر شما نمی‌ترسم از اینکه پس از من مشرک شوید، بلکه ترس من از اختلافاتی است که دامن‌گیرتان خواهد شد» (بخاری، ۱۴۱۲: ۹۴). یکی از بزرگ‌ترین آرزوهای امام علی^(ع) نیز اتحاد و عزت مسلمین بود و در این راه از هیچ تلاش و جهاد و استقامتی فروگذار نکرد. آن حضرت تفرقه و اختلاف را اندیشه‌ای شیطانی معرفی کرده و می‌فرماید: «إِنَّ الشَّيْطَانَ يُسَيِّ لَكُمْ طُرُقَهُ وَ يُرِيدُ أَنْ يَحُلَّ دِينَكُمْ عُقْدَةً عُقْدَةً وَ يُعْطِيَكُمْ بِالْجَمَاعَةِ الْفُرْقَةَ»: (همانا شیطان راه‌های خود را بر شما هموار می‌کند و می‌خواهد تا پیوند شما را با دین قطع کند و جماعت شما را به آشفتگی و تفرقه مبدل سازد) (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۲: ۲۵۰). که در اینجا حرف «باء» در معنای بدلیت به کار رفته است یعنی «یرید الشيطان أن يعطيك الفرقة بدل الجماعة» (محمد عبده، ۲۰۰۳: ۲۶۲). بر پایه این توضیحات اکنون به بررسی نمودهای این شاخص مهم در شعر احمد محرم می‌پردازیم. او در جایی از شعرش می‌گوید:

عزاً بِي مِصرَ عَن فَقْدِهِ / وَ صَنّاً بِشِرْعَتِهِ وَ اعْتِدَادِ / وَ لَا تَعَادُوا فَإِنَّ الشُّعُوبَ تَمُوتُ / انْقِسَاماً وَ تَحِيّاً اتِّخَاداً (محرم، ۱۹۶۳: ۲۴).

عزای مردم مصر به خاطر فقدان یکپارچگی است/ و نیز سوگ ایشان در بخل ورزیدن به ابراز این حس و عدم اهتمام به آن است/ پس به یکدیگر دشمنی نورزید/ که ملت‌ها با گسست می‌میرند و با یکپارچگی حیات می‌یابند).

محرم در این ابیات با آوردن لای نهی دشمنی میان مسلمانان را محکوم دانسته و گریزی به این آیه شریفه می‌زند: «وَ لَا تَنَارَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِجْؤُكُمْ» (انفال: ۴۶) (و هرگز راه اختلاف نپویید که شکست خورده و شوکتتان زایل می‌شود). او همچنین اتحاد را پایه اصلی پیروزی و حیات ملت‌های اسلامی می‌داند و آنها را به این امر فرا می‌خواند و بی‌شک الهام‌گر اصلی او در این راه کلام الهی است آنجا که فرموده: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (همگی به ریسمان و رشته‌ی خداوندی چنگ بزنید و پراکنده نشوید). (آل عمران: ۱۰۳).

شاعر متعهدی مانند محرم که هدف اصلی در اشعارش بیداری عربی - اسلامی است نمی‌تواند در مقابل فتنه‌ها و شکاف‌هایی که در میان امتش به وجود آمده، سکوت اختیار کند، لذا شاعر در اشعاری دیگر با بیانی اندوهگین اختلاف و فتنه موجود در سرزمینش را این چنین به باد انتقاد می‌گیرد:

يَا وَيْحَ مِصرَ لِخُلْفِ لَا رُكُودَ لَهُ / إِلَّا لِيَعْصِفَ بِالْأَقْدَارِ وَ الْأُمَمِ / مِثْلَ الْبَرَاكِينِ فِي الْحَالِينِ مَا هَدَاتُ / إِلَّا لِتَقْدِفَ بِالتَّيْرَانِ وَ الْحُمَمِ (همان: ۱۶۸).

(وای بر مصر به سبب اختلافاتی که هیچگاه سر ایستادن ندارد/ مگر آنکه ملت‌ها را درنوردیده و سرنوشت‌هایشان را به قهقرا کشد/ اختلافاتی که درست پسان کوه آتشفشان است که آرامشش/ جز وقفه‌ای برای جوشش دوباره و انداختن گدازه‌های بعدی نیست...).

به نظر شاعر در جامعه‌ای که اختلاف وجود داشته باشد هیچ نوع انسجام و پیشرفتی وجود ندارد. وی برای نهی سرزمینش از تفرقه، اقوامی را ذکر می‌کند که اختلاف موجود در بینشان موجب ویرانی آنها گشته و در واقع ذکر اقوام پیشین را نمادی برای عبرت-پذیری مردم سرزمینش می‌داند.

۲-۵. پرهیز از قومیت‌گرایی و حس ناسیونالیستی

با توجه به شرایط نابسامانی که در کشورهای عربی همواره در جریان بوده، این کشورها دائماً در حالت جنگ و آشوب به سر می‌برند. بی‌شک بروز این رخدادها علاوه بر وارد نمودن خسارت‌های زیان‌بار بر پیکره کشورهای مذکور، آفاتی همچون قومیت‌گرایی،

فتنه‌انگیزی و گسست بنیادین را به همراه خواهند داشت. گرفتاری‌ها و مصائب دامن‌گیر یک ملت را باید با همفکری و مشورت‌خواهی مردم همان سرزمین و با نادیده گرفتن اختلافات قومی حل کرد؛ چیزی که قرآن کریم نیز بارها بر آن تأکید ورزیده است. امام خمینی^(۵) نیز در این رابطه می‌فرماید: اساساً تعدد مذاهب دلیلی بر تفرقه و اختلاف نیست. وی بیان می‌کند که درست است که یک دسته از مسلمانان شیعه و دسته‌ای دیگر سنی، گروهی حنفی و گروه دیگری حنبلی و اخباری هستند، اما طرح این مسائل از اول درست نبوده است؛ زیرا در یک جامعه که همه می‌خواهند به اسلام خدمت کنند و برای اسلام باشند، این مسائل نباید مطرح شود. ما همه برادر هستیم و با هم هستیم و این تعدد فرقه‌ها و گروه‌ها به هیچ نحوی دلیل بر اختلاف و تفرقه نیست (موسوی خمینی، ۱۳۵۹/۱۳).

پرداخت این موضوع و رویکرد عملیاتی شاعر به محو نمادهای قومیتی و ناسیونالیستی را به نحوی واضح در این ابیات احمد محرم مشاهده می‌کنیم: تَعَالُوا إِلَيْنَا إِنَّمَا نَحْنُ إِخْوَةٌ / وَ إِنِّي رَأَيْتُ الْأَخَذَ بِالرَّفْقِ أَحْرَمًا / وَ إِنَّ سَبِيلَنَا سَوَاءٌ وَ كُنَّا / بَنُو مِصْرَ نَأْبَى أَنْ تُضَامَ وَ تُهْضَمَا / تُفَرِّقُنَا الْأَدْيَانُ وَاللَّهُ وَاحِدٌ / وَ كُلُّ بَنِي الدُّنْيَا إِلَى آدَمَ انْتَمَى (محرم، ۱۹۶۳: ۵۷). (به سوی ما بیاید، که ما برادران همیم/ و من ملاطفت و تعامل را کاری دوراندیشانه‌تر می‌بینم/ مسیر ما یکی است و ما فرزندان مصر/ بر نمی‌تابیم که خاکمان مورد هجمه و بیداد قرار گیرد/ دین‌هایمان جداست، ولی خدایمان یکی است/ و مردمان همه از وجود [یک] آدم نشئت می‌گیرند).

محرم در قصیده «من يمنع الليث أن يعتز أو يثبا» امت مصر را از ترک و عرب مورد خطاب قرار می‌دهد و این چنین ابراز می‌کند که هیچ فرقی میان ترک و عرب وجود ندارد و مشورت و همفکری مردم سرزمینش را عاملی مهم برای نظام‌مندی و انسجام امت می‌داند:

يَا آلَ عَثْمَانَ مِنْ تُرْكٍ وَ مِنْ عَرَبٍ / وَ أَيُّ شَعْبٍ يَسَاوِي التُّرْكَ وَ الْعَرَبَا / سُوُسُوا الْخِلَافَةَ بِالشُّوْرَى
وَ لَا تَدْعُوا / لِفِتْنَةٍ فِي نَوَاحِي الْمُلْكِ مُضْطَرَبَا (همان: ۲۹).

(ای ترکان و تازیان عثمانی!! کدام ملت با ترک و عرب برابری می‌کند؟! امور مملکت را با مشورت به پیش رانید و مگذارید/ فتنه‌ای در جای جای این مملکت در جریان باشد). همان‌طور که ملاحظه می‌کنیم، شاعر در این ابیات به همفکری و مشورت سفارش کرده است. کلمه «شوری» در قرآن آمده و امر به مشورت و مددخواهی فکری از دیگران نیز همواره مورد توجه قرآن بوده است که این خود نشانه اهمیت همفکری و هم‌افزایی دینی است و به مسلمانان و مؤمنان سفارش اکید شده که اموراتشان را با مشورت و مبتنی بر زایش‌های

خرد جمعی به پیش برند: «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَبِمَا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (شوری: ۳۸) (و کسانی که [ندای] پروردگارشان را اجابت نموده و نماز برپا کرده‌اند و کارشان در میانشان [بر پایه] مشورت است و از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند). او همچنین عدم پایبندی به وحدت کلمه را باعث ایجاد رخنه در صفوف بلاد اسلامی دانسته، و آن را عامل زوال استقلال ملت‌های مسلمان قلمداد کرده و می‌گوید: أَرْضِيْمُ أَنْ تَكُونُوا أُمَّةً / تَدْبُ اسْتِقْلَالَهَا طَوْلَ الْعَصْرِ! (همان: ۹۶)؛ که به ملت‌های شکاف‌یافته نهیب می‌زند که در صورت استمرار بر مسیر تفرقه و گسست، آرزوی استقلال را به گور خواهید برد و عامل وحدت‌آفرین را به‌عنوان شاخصه مهمی برای کسب استقلال و خودآتکایی معرفی می‌کند.

۶. تمسک به شعائر دین اسلام به‌عنوان عاملی وحدت‌زا

۶-۱. تمسک به قرآن

همان‌گونه که در نمونه‌های پیشین مشاهده می‌شود، شاعر نسبت به شکاف موجود در جامعه هشدار می‌دهد. وی برای برون‌رفت از این بحران، توجه و تمسک به دین مبین اسلام را به‌عنوان عاملی سرعت‌بخش توصیه کرده است. «توجه به برادری و اخوت در بین مسلمانان بر اساس دین اسلام و تقوای الهی و همچنین ایمان به خداوند و دوست‌داشتن و محبت به دیگران بر اساس دستورات او، عواملی هستند که انس و الفت مسلمین را تقویت نموده و موجب تحکیم وحدت اسلامی می‌گردد» (قاسمی، ۱۳۹۲: ۲۱). گرایش به خلافت اسلامی و تأکید بر جامعه اسلامی از اواخر قرن نوزدهم تا بعد از جنگ جهانی دوم، به‌عنوان یک جریان اساسی در جامعه فکری مصر به‌شمار می‌آمد.

زمانی که فرانسویان الجزایر را در سال ۱۸۳۰ و پس از آن تونس را در سال ۱۸۸۱ اشغال کردند و سپس انگلستان بر هند و مصر استیلا یافت، همه جهان اسلام احساس خطر کرد و این احساس خطر مسلمانان سراسر دنیا را به اتحاد و همبستگی که دین مبین اسلام ندای آن را سرداده بود، سوق داد (الفار، ۲۰۰۷: ۱۵۱). از آنجا که احمد محرم یک شاعر مسلمان بوده، اساس کار وی اسلام‌گرایی و قومیت‌گرایی است. اسلام در نزد احمد محرم همانند ذره مستحکمی است که افراد را از حوادث روزگار نجات می‌دهد و از افراد ضعیف و حقوق آنها در جامعه حمایت می‌کند. اگر شخصی در اسلام بخواهد در مقابل دشمن ایستادگی کند، می‌تواند از این دین مقدس به‌عنوان یک ستون و تکیه‌گاه

مستحکم استفاده کند: هُوَ الْإِسْلَامُ مَا لِلنَّاسِ وَاقٍ/ سِوَاهُ فَأَيْنَ يَذْهَبُ مَن تَعَامَى / يَذُودُ عَنِ الضَّعِيفِ فَيَتَّقِيهِ/ مِنَ الْأَقْوَامِ أَنْفَعَهُمْ سِهَامًا (محرم، ۱۹۶۳: ۷۱): (این است آیین راستین اسلام که مردمان را نگهدارنده‌ای جز آن نیست/ پس آنانکه خود را به کوری زده‌اند روی به کجا می‌نهند؟!/ از ناتوان دفاع کرده و او را پناه می‌دهد/ از شر اقوامی که ضرباتشان بشدت سهمناک است). شاعر با اشاره به آیه ۳۴ سوره رعد و فرمایش الهی: «لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَعَذَابٌ الْآخِرَةِ أَشَقُّ وَمَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِن وَّاقٍ»: (برای آنان در زندگی دنیا عذابی است و قطعاً عذاب آخرت دشوارتر است و برای ایشان در برابر خدا هیچ نگهدارنده‌ای نیست)، دوری از اسلام را سبب گرفتار آمدن به عذاب الهی و تفرقه و تشتت دانسته و زیر سایه اسلام بودن را پناهگاهی مطمئن برای مسلمانان به منظور جلوگیری از تفرقه می‌پندارد.

۶-۲. پناه‌جویی به ساحت پیامبر (ص) و اهتمام به قدس شریف

اشعار احمد محرم سرشار از توجه به دین اسلام و سیره نبوی است. او در طلیعه یکی از قصاید معروف خود می‌سراید: اللَّهُ أَكْبَرُ وَاَلْإِمَامُ مُحَمَّدٌ/ مَنْ ذَا يَجَادِلُ فِيهِمَا وَاِيْمَارِي؟! (همان: ۱۲۱) که در اینجا خدای واحد و سروری و سیادت مطلق نبی امین (ص) را به امت‌های اسلامی در قالبی اخباری و سپس استفهامی دیکته می‌کند و آنان را از طاعت‌گریزی و مجادله در باب فرمان‌های نجات‌بخش او بر حذر می‌دارد. شاعر همچنین در کنار تنبّه دادن به تمسک به سیره رسول اکرم (ص)، به بیان حوادث مهم جهان اسلام همچون قضیه فلسطین نیز تنبّه داده و مسلمانان را به وحدت و بیداری در مقابل دشمنان آغشته به کین اسلام دعوت کرده است. قضیه فلسطین در قلب و روح شاعر بسیار تأثیر گذاشته است. وی قصیده «نکبة فلسطین» را در دفاع از عربیت و اسلام و همچنین نجات فلسطین از دست غاصبین سروده است: فِي حِمَى الْقُدْسِ وَ مِنْ حَوْلِ الْحَرَمِ/ أُمَّةٌ تُؤَدِّي وَ شَعْبٌ يَهْتَضِمُ/ فَرَعَ الْقُدْسُ وَ ضَجَّتْ مَكَّةُ/ وَ بَكَتْ (يَثْرَبُ) مِنْ فَرَطِ الْأَلَمِ (همان: ۷۱).

(در اطراف قدس و گرداگرد حرم/ امتی آزار می‌بیند و ملتی لگدمال می‌شود/ قدس به شیون افتاده و مکه ناله سر می‌دهد/ و مدینه از شدت درد به گریه افتاده است).

از نظر شاعر، قدس که اولین قبله‌گاه مسلمانان است، آیا سزااست که مردمان مسلمانش در زیر تیغ ظالمانه صهیونیسم جان بدهند، در حالی که شیون آن به مکه که مرکز اسلام است، رسیده است؟ گریه مدینه که نمودی از درد پیامبر برای این پیشامد است، آیا مسلمانان را به تکاپو وانمی‌دارد؟! آیا آزادی قدس و خشنود کردن پیامبر (ص)

جز با اتحاد و همبستگی محقق می‌شود؟ بی‌شک چنین امری بدون وحدت قابل دستیابی نیست.

در جایی دیگر، شاعر به امت عرب و مسلمانان نهیب زده و ناتوانی و کم‌کاری‌شان را در توجه و اهتمام به مقدسات اسلامی گوشزد کرده و روحیه مبارزه‌طلبی و برانگیختگی حماسی را در میان امت عربی إحیا می‌کند. وی چنین بیان می‌دارد که از آنجایی که در کشورهای عربی مصیبت‌ها و حوادث دائماً در حال تهاجم هستند، واجب است که در چنین جوامعی اتحاد اسلامی به‌عنوان سلاحی برای مبارزه با دشمن به کار گرفته شود:

إِيه شُعُوبَ الْمُسْلِمِينَ تَنْبَهُوا/ وَ تَدَارَكُوا أَسَابِكُمْ أَنْ تُجَدَمَا/ اللَّهُ فِي إِخْوَانِكُمْ وَ بِلَادِكُمْ/ أَفَمَا تَرَوْنَ الْخَطْبَ كَيْفَ تَهَجَمَا/ حَفِظُوا الثَّرَاثَ لَكُمْ وَ صَانُوا عِرْضَكُمْ/ أَفَتَكْرَهُونَ لِعِرْضِكُمْ أَنْ يَسْلَمَا/ لَا تَخَذُلُوهُمْ وَ الْمَلَائِكُ شَهَدُ/ بِالْمَسْجِدِينَ، كَفَى بِذَلِكَ مَأْتَمًا/ إِنِّي وَفَيْتُ لَهُمْ وَ لَسْتُ بِمُسْلِمٍ/ إِنْ خُنْتُ فِي دُنْيَايَ شَعْبًا مُسْلِمًا/ أَتَيْتُ أَوْلِي الْقِبْلَتَيْنِ حَزِينَةً/ وَ أَيْتُ وَسَنَانَ الْجُفُونِ مُنْعَمًا (همان: ۵۴).

(ای ملت‌های مسلمان به هوش باشید/ و اسباب فکری‌تان را از آسیب زوال مصون دارید/ برادران و کشورهایتان را دریابید! آیا مصیبت‌ها را نمی‌بینید که چگونه هجوم آورده است؟! برادراتان میراث و نوامیس شما را پاس داشتند/ شما خود آیا دوست ندارید که شرفتان از گزند آفات مصون بماند؟! آنها را تنها مگذارید در حالی که فرشتگان در دو مسجد (مسجدالحرام و مسجدالأقصی) بر اعمال شما گواه‌اند/ که این گناهی بس بزرگ است/ من وفاداری خود را به ایشان اثبات کردم/ و مسلمان نیستم اگر در حیاتم به ملت مسلمانی خیانت کنم!! آیا اولین قبله‌گاه مسلمین، شب را اندوهگین به صبح رساند؟! و من آسوده و خمارچشم صبح کنم؟).

محرم در اشعار خود بی‌شک قرآن را به طور کامل مدنظر قرار داده و با اشاره به آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا نُبَاتٍ أَوْ اَنْفِرُوا جَمِيعًا» (نساء: ۷۱): (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در برابر دشمنان دین آمادگی خود را حفظ نموده، سلاح‌های خود را بگیرید، پس گروه گروه یا دسته جمعی حرکت و کوچ نمایید)، بیداری مسلمانان را گوشزد کرده و آن را امری لازم می‌داند. وی همچنین با گذری به تاریخ و آیه «وَ إِذْ جَعَلْنَاكَ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُوءُونَكَ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَ يُسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَ فِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ» (بقره: ۴۹): (و آنگاه که نجات داد شما را از آل فرعون و جماعت ایشان که به شما آزار و اذیت دائمی می‌رسانند. از بدترین عذاب‌ها که به نفس ضرر می‌رساند. فرزندان پسر شما را می‌کشتند و زنان شما را زنده می‌گذاشتند و در این کار امتحان و بلایی عظیم از جانب پروردگارتان بود و این مورد آزمایشی برای شما بود دربارهٔ دینتان)، گرفتاری در چنین عذابی را در اختلاف محتوم دانسته و مسلمانان را

برحذر می‌دارد. وی همچنین پایبندی مسلمانان و وفاداری آنان را به جای جای میهن اسلامی توصیه و سستی در این امر را خیانتی بزرگ قلمداد می‌کند.

۳-۶. تمسک به کعبه و قرآن به‌عنوان عاملی مهم در ایجاد اتحاد

یکی دیگر از ارکان اتحاد اسلامی که احمد محرم در مورد آن حساسیت خاصی نشان می‌دهد، کعبه معظمه است. به نظر وی کعبه می‌تواند نقشی بنیادین در حیات‌بخشی به وحدت مسلمین ایفا کرده و رسالتی سترگ در این باب به دوش کشد. وی کعبه را به‌عنوان نماد اصلی اتحاد مسلمانان معرفی می‌کند و معتقد است مسلمانان باید روابط و تعاملات انسانی فی‌مابین خویش را حول محور این مکان مقدس استوار کنند و کعبه باید به‌عنوان محور اصلی مسلمانان مورد توجه قرار گیرد، نه به‌عنوان یک محور فرعی.

شاعر در قصیده «مرحبا بالإخاء فی حرم الله» با بیانی تحسین‌آمیز بر برادری و اخوت تأکید می‌ورزد. وی از «کعبه» به‌عنوان مرکزیتی که عامل تجمع گروه‌های مختلف اسلامی و پیمان میان آنها است، یاد می‌کند و کتاب مقدس «قرآن» را شاهدهی بر عهد و پیمان‌های آنها می‌داند: *مَرْحَبًا بِالْإِخَاءِ فِي حَرَمِ اللَّهِ وَ أَهْلًا بِقَوْمِنَا الصَّالِحِينَ/ حَيِّ الْمَسِيحَا بَيْتُ وَ اقْضِ/ الْحَقُّ عَنِ آلِ أَحْمَدٍ أَجْمَعِينَ/ أَكْتُبُ الْعَهْدَ بَيْنَنَا وَ اجْعَلِ/ الْمُصْحَفَ خَيْرَ الشُّهُودِ فِيهِمْ وَ فِينَا (همان: ۲۰۲):*

(چه نیکوست برادری در سایه حرم امن الهی! / و مرحبا به قوم نیک کردار ما/ ای کعبه! به مسیح خوش آمد بگو/ و حق را به نیابت از تمامی پیروان پیامبر^(ص) ادا کن/ پیمانی میان ما و ایشان برقرار کن/ و قرآن را بهترین گواه میان ما و آنها برگیر...).

همچنین محرم با اشاره به اینکه مکه و مدینه به خاطر وجود خانه خدا و مسجد پیامبر^(ص)، نماد اسلام به شمار می‌آیند، ابیات زیر را یادآور می‌شود: *إِلَى الْحَرَمَيْنِ مَفْرَعُهُ وَ فِيهِ/ حَمَى الدُّنْيَا وَ مُجَبَّ الْعَالَمِينَ:* (فریادخواهی او به سوی دو بارگاه شریف است که در آن/ آسایش گیتی و حیات عالمیان محقق است). او پیدایش هرگونه ظلمی در سرتاسر جهان را مخالف با آرمان‌های این دین کامل می‌داند و آن را عامل فریاد و نارضایتی این دو مکان مقدس به شمار می‌آورد. همچنین با اشاره به کلمه «زندگی» برای جهانیان آیه ۲۱ سوره انبیاء را که می‌فرماید: *«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»:* (و ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستاده‌ایم) را در ذهن هر انسانی تداعی می‌کند و متذکر می‌شود که اسلام با اوامر الهی که در قرآن آمده و توسط پیامبر جامعه عمل به خود پوشانده است، وحدت را سرلوحه رسالت خود قرار داده است.

۶-۴. دعوت به اخوت و برادری

در بسیاری از سوره‌های قرآن کریم به برادری و اخوت اشاره شده است؛ برای مثال در آیه کریمه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات: ۱۰): (به حقیقت مؤمنان همه برادر یکدیگرند پس همیشه بین برادران خود صلح دهید و پرهیزگار باشید شاید که مشمول رحمت الهی گردید)، روحیه برادری در جامعه و امت اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است؛ و باید دانست که جمله «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»، قانونی را در بین مسلمانان تشریح می‌کند و رابطه و نسبتی را ایجاد می‌کند که پیش از این چنین نسبتی وجود نداشت (مطهری، ۱۳۸۹: ۲۱۵). پیامبر اکرم (ص) در مسیر تثبیت هم‌بستگی و وحدت مسلمین بارها بر این موضوع تأکید ورزیدند؛ وی پس از فتح مکه در مسجدالحرام فرمودند: «المسلم أخ المسلم والمسلمون يدٌ واحدةٌ علي من سواهم تتكافؤ دماؤهم يسعي بدنهم أدناهم» (المتقی الهندی، ۱۹۸۵: ۱۴۹).

یکی از عوامل اصلی برای بیرون راندن استعمارگران وطن، اتحاد میان مردم آن سرزمین است، به طور کلی وحدت یکی از رمزهای موفقیت در مقابل استعمار است.

احمد محرم در قصیده «الإخاء الوطني» برادری و اتحاد را عاملی مهم برای نزدیک کردن مردم یک سرزمین به یکدیگر می‌داند:

نَسَى وَ يَعْطِفْنَا إِخَاءَ فَنَذُرُ / وَ الْحُبُّ قَدْ يَطْوِي الْقُلُوبَ وَ يَنْشُرُ / إِنَّا لَعَمْرُ اللَّائِمِينَ عَلَى الْهَوَى /
لَتَرَى سَوَاءً مَنْ يَلُومُ وَ يَعْدِرُ / نَرْضَى الْأَجْبَةَ لَا نُرَاقِبُ بَعْدَهُمْ / أَهْوَاءَ مَنْ يَرْضَى وَ مَنْ يَتَذَمَّرُ / يَا مَنْ
يَحَاوِلُ أَنْ يَغَيِّرَ عَهْدَنَا / أَنْظِرْ إِلَى الْإِيمَانِ هَلْ يَتَغَيَّرُ!؟ (محرم، ۱۹۶۳: ۱۶۶ و ۱۶۷):

(ما گاه محبت‌ها را فراموش می‌کنیم، ولی عقد اخوت دوباره یادآورمان شده و به هم نزدیکمان می‌کند/ آن‌چنان که عشق گاه دلها را به هم آمیخته و گاه پراکنده می‌کند/ به جان ملامتگران قسم! ما در مسیر عشق و دلدادگی/ ملامت‌گران و بهانه‌جویان را در پیش چشمانمان یکسان می‌بینیم/ دل ما (تنها) با خیرخواهانمان است و جز آنان/ دیگر برایمان مهم نیست که، که همساز است و که ناساز؟! ای آنکه قصد داری نقض پیمان کنی/ بنگر که آیا آیین ایمان گسستنی است؟).

شاعر با بیان این بیت شعری «یا مَنْ يَحَاوِلُ أَنْ يَغَيِّرَ عَهْدَنَا / أَنْظِرْ إِلَى الْإِيمَانِ هَلْ يَتَغَيَّرُ!؟»، تلاش بیگانگان در ایجاد فتنه میان آحاد این ملت را در نهایت، محکوم به شکست می‌بیند. محرم در قصیده «نبی و تخدم أیدی الجهل دأبة» بر عهد و پیمانی که میان گروه‌های مختلف امت مصر است، تأکید می‌ورزد. شاعر در جواب به افرادی که در این عهد و پیمان دچار شک و تردید می‌شوند، وجود خداوند متعال را به‌عنوان ناظر اصلی این پیمان یادآور می‌شود.

وی در پایان با بیان کلمه «اخوة»، روحیه اتحاد و برادری را در میان ملتش زنده می‌کند:

يا أُمَّةَ الْقَبِطِ وَالْأَجْيَالِ شَاهِدَةٌ / بِمَا لَنَا وَ لَكُمْ مِنْ صَادِقِ الدَّمِّ / هَذِي مَوَاقِفُنَا فِي الدَّهْرِ نَاطِقَةٌ /
فَاسْتَبِيئُوهَا تُرِيحُونَا مِنَ التَّهَمِ / إِنْ يَخْتَلِفُ مِنْكُمْ فِي الْأَمْرِ مُخْتَلِفٌ / فَمَا لَنَا الْيَوْمَ غَيْرُ اللَّهِ مِنْ
الْحَكْمِ / لَا تَظْلَمُوا الدِّينَ إِنَّ الدِّينَ يَأْمُرُنَا / بِمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْأَخْلَاقِ وَالسَّيِّئِ / مِنَّا وَمِنْكُمْ رِجَالٌ لَا
خُلُومَ لَهُمْ / وَلَا يَفِيضُونَ لِلْأَدْيَانِ وَالْحَرَمِ / أَنْتُمْ لَنَا إِخْوَةٌ لَا شَيْءَ يُبْعِدُنَا / عَنْكُمْ عَلَى عَنَتِ الْأَقْدَارِ وَ
الْقِسْمِ (محرم، ۱۹۶۳: ۵۹):

(ای امت مصر! نسل‌ها بر عهد و پیمان راستینی که میان ما و شماست گواه‌اند/ اینها مواضع به‌حق ماست که در جهان جلوه‌گر است/ پس حقیقت را از دل آنها بجوید تا دیگر ما را متهم نکنید/ اگر شما در این امر اختلاف و شبهه‌ای دارید/ پس بدانید که ما را جز خدا داور و قضاوتگری نیست/ به ساحت دین ستم روا مدارید که دین/ ما را به اخلاق و صفات نیکی که بر آن واقف‌اید، دعوت می‌کند/ در میان ما و شما مردانی هستند که از خرد بی‌بهره‌اند/ و به چارچوب ادیان و مقدسات گردن نمی‌نهند/ ولی شما برادران مایید و هیچ چیز/ با وجود سختی‌های روزگار و سرنوشت، ما را از هم دور نمی‌سازد).

وی امت مصر را امتی واحد و یگانه می‌داند؛ به گونه‌ای که در اشعارش با قاطعیت از برادری و اتحاد این امت سخن به میان می‌آورد:

يا أُمَّةَ الْإِنجِيلِ إِنَّا أُمَّةٌ / فِي مِصْرَ وَاحِدَةٍ لِمَنْ يَتَدَبَّرُ / دَرَجَتْ عَلَى ذِمِّمْ خَوَالِدٌ لَمْ تَزَلْ / تَمْضِي الْقُرُونُ
بِهِ وَ تَأْتِي الْأَعْصُرُ / لَوْ تَسَالَيْنَ وَ مَا بِنَا مِنْ رِبِيَّةٍ / فِيمَا نُكِنُّ مِنَ الْإِخْوَةِ وَ نُظْهِرُ (همان: ۶۵):

(ای امت انجیل! ما در مصر _ برای آن کس که درست اندیشه کند _ امتی یکپارچه‌ایم/ امتی که بر مسیر پیمان‌های ناگسستی روانه شده/ که قرن‌ها بر آن گذشته و در پهنای دوران‌ها جریان دارد/ و تو اگر از ما طلبی داشته باشی، ما هیچ دریغ نداشته/ و پیدا و پنهان - در ابراز اخوت تردید به خود راه نمی‌دهیم).

شاعر در قصیده «عهد لِمِصْرَمِنَ الْحَيَاةِ حَدِيدٌ» نگاهی به تاریخ مصر می‌اندازد و با اشاره به داستان حضرت یوسف^(ع) تجربه‌ای دیرینه در اختیار خواننده قرار می‌دهد؛ او در این باب چنین می‌سراید:

تَرَكُوا أَهْلَهُمْ فَاسْتَبَدَّ بِشَيْخِهِمْ / هَمَّانِ هَمَّ طَارِفٌ وَ تَلِيدٌ / يَجِدُ الْحَيَاةَ نَدِيَّةً أَنْفَاسُهَا / مِنْ رِيحِ يَوْسُفَ
وَ الْفُوَادِ كَمِيدٌ / وَ أَتَى الْقَمِيصُ فَعَادَ مِنْ بَعْدِ الْعَمَى / بَصَرَ لَهُ حَيُّ الضِّيَاءِ حَدِيدٌ (همان: ۶۲):

(برادران یوسف او را تنها گذاشتند و در پی آن/ دو اندوه سنگین _ دوری و پیری _ وجود یعقوب را دربرگرفت/ او زندگانی را با وجود یوسف تازه و خوشگوار می‌دید/ در حالی که بی بوی پیراهن یوسف دلش غمین است/... پیراهن آمد و به یمن این بازگشت/ دیده‌اش روشنی یافت و نگاهش دوباره نافذ گشت...).

احمد محرم با این ابیات و اشاره به آیه «فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا» (یوسف: ۹۶): (پس آن‌گاه که مژده‌رسان آمد، آن را بر چهره وی انداخت، فوراً بینا شد)، آمدن مژده‌دهنده شادی به حضرت یعقوب^(ع) را توصیف می‌کند و تمام شدن رنج‌ها را پس از صبر یادآور می‌شود؛ چیزی که انسان‌ها باید آن را سرمشق خود قرار دهند. در واقع شاعر با استمداد از آیات و داستان یوسف پیامبر وضع ناگوار زمان را موقتی و زودگذر می‌داند و با دعوت انسان‌ها به بردباری، گشایش بزرگی را نوید می‌دهد. گرچه در نگاه اول خواننده در این محور به وضوح متوجه اخوت و اتحاد نمی‌شود، ولی با اندکی درنگ خواهد یافت که شاعر با بیانی تلمیح‌گونه و با ذکر این عبارت «تَرَكَوْا أَخَاهِم»، مردم سرزمینش را به طور غیرمستقیم به اتحاد و اخوت دعوت می‌کند و از آنها می‌خواهد که از اختلاف و تفرقه‌ای که باعث از بین رفتن حس اخوت و برادری می‌شود، بپرهیزند.

۷. نتیجه

پس از کندوکاو مضامین وحدت‌طلبانه در دیوان شعری احمد محرم و طیف‌سنجی اندیشه‌های بروز یافته او در این زمینه، نتایج ذیل برای خواننده حاصل می‌شود:

۱. به نظر می‌رسد از بین عوامل انگیزشی، عنصر «مداخله بیگانگان» در سرزمینهای عربی و سرسپردگی مطلق برخی حکام عرب مسلمان به اربابان اجنبی و نیز شرایط اسفناک سیاسی و اجتماعی حاکم بر بلاد عربی مهم‌ترین نیروی محرکه و عامل انگیزاننده‌ای بوده که شاعر را به سمت سرایش‌های وحدت‌طلبانه سوق داده است. خوانشی ژرف از اشعار او در این باب، سودای نهفته آزادی ملل اسلامی و پوشش اتحادی عناصر سرزمین‌های اسلامی را به خوبی در نزد شاعر نشان می‌دهد.

۲. محرم در پرداخت مضامین وحدت‌جویانه دیدگاهی کلان‌نگر داشته و به عناصر اصلی وحدت‌آفرین در نزد مخاطبان خود نظر داشته است و از طرح مسائل جزئی و یا مضامین قومیتی محدود به گستره یا جغرافیا و عقیده‌ای خاص اجتناب کرده و با تکیه بر عمق مضامین اشتراکی حلقه اتحاد اسلامی، طیف‌های متعدد مخاطبان خود را به سمت قله‌های وحدت رهنمون ساخته است؛ مضامینی همچون پرهیز از اختلاف و تفرقه، پرهیز از قومیت‌گرایی و عدم القای رویکرد ناسیونالیستی به مقوله وحدت، توجه به دین مبین اسلام، تمسک به کعبه و قرآن به‌عنوان عناصر وحدت‌افزا، و دعوت به برادری.

۳. البته در برخی موارد، شاعر جلوه‌هایی از حماسه و شور عربیت را نیز در اشعار خود تجلی می‌دهد و در موارد ولو اندک با نگاهی قومیت‌گرا و عرب‌نما خواستار ارائه وحدتی

عربی نیز شده است که در طیف‌سنجی مضامین وحدت‌آمیز در نزد وی می‌توان به نحوی ملموس آثار عمیق‌تر وحدت اسلامی خالص را در نزد مخاطب درک کرد؛ یعنی آنجا که صرفاً از مؤلفه‌های اسلامی وحدت- و نه عربی آن- سخن می‌گوید، انگاره‌های قوی‌تری از حسّ همبستگی اسلامی در نزد مخاطب شکل می‌گیرد.

۴. به نظر می‌رسد نسخه پشیمان شاعر در ساخت و پرداخت محتوای شعری‌اش قرآن کریم و تعالیم اثربخش آن بوده و شاعر در جای‌جای دیوان خود به نحوی شایسته اندیشه‌های وحدت‌طلبانه خود را با تضمین و اقتباس از آیات قرآن پشتوانه‌سازی کرده، و همین وام‌گیری دنباله‌دار از نصّ قرآنی، زیرساخت‌های اندیشه‌ای او را ترقی بخشیده و باعث شده تا مخاطبان با انبساط خاطر بیشتری، اندیشه‌های او را بپذیرند.

منابع

قرآن کریم.

- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، الطبعة الثالثة، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴.
- اصفهان، راغب، *المفردات فی غریب القرآن*، ترجمه حسین بن احمد کیلانی، طهران، البوذرجمهري، ۱۳۷۳.
- أبو شادي، أحمد زكي، *قضايا الشعر المعاصر*، القاهرة، الشركة العربية للطباعة و النشر، ۱۹۵۹.
- بخاری، أبو عبدالله محمد بن إسماعيل، *صحیح بخاری*، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۱۲.
- الجزاوي، سعدالدين، *العامل الديني في الشعر المصري الحديث*، القاهرة، المجلس الأعلى لرعاية الفنون، ۱۹۶۴.
- الحنفاجي، محمد عبدالمنعم، *دراسات في الأدب العربي الحديث و مدارس، بيروت، دارالجيل، ۱۹۹۲.*
- حکمتی، صبا، «بررسی مضامین سیاسی در شعر احمد محرم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما عبدالاحد غیبی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، ۱۳۹۲.
- دهخدا، علی اکبر، *لغت‌نامه*، چاپ بیستم، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- الدسوقي، عمر، *في الأدب الحديث*، القاهرة، دارالفکر، ۲۰۰۳.
- الزيات، أحمد حسن، *تاريخ العربي للمدارس الثانوية و العليا*، الطبعة التاسعة، بيروت، دارالمعرفة، ۲۰۰۵.
- صادقی اردستانی، احمد، وحدت مسلمین، قم، دفتر کنگره جهانی ائمه جمعه و جماعت، بی‌تا.
- صبحی، صالح، *نهج البلاغه*، چاپ سوم، قم، دارالهجرة، ۱۴۰۷.
- صدقی، حامد و احمد رضا صاعدی، «الوطنية الصادقة في شعر احمد محرم»، *اللغة العربية و آدابها*، السنة الخامسة، العدد ۹، صص ۷۲-۵۷، حریف و شتاء ۱۴۳۰ و ۱۴۳۱.
- ضیف، شوقی، *الأدب العربي المعاصر في مصر*، القاهرة، دارالمعارف، ۱۹۵۷.
- عبده، الشیخ محمد، *شرح نهج البلاغة*، الجزء الأول، بیروت، مؤسسة الأعلمی، ۲۰۰۳.

عزتي، مصطفي، «شرح وتحليل ادبي ومضامين تاريخي ديوان احمد محرم از غزوة بدر الكبرى تا پايان شهداي بدر»، پايان‌نامه کارشناسي ارشد، استاد راهنما يدالله رفيعي، پژوهشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي، ۱۳۹۰.

المتقي الهندي، علاءالدين، *كنز العمال في سنن الأقوال و الأفعال*، بيروت، مؤسسة الرسالة، ۱۹۸۰.
الفار، مصطفي، *الشاعر احمد محرم دراسة في حياته و شعره*، عمان، منشورات أمانة عمان الكبرى، ۲۰۰۷.
فتحي الظاهر، عبدالله، «الشعر الإسلامي في أشعار احمد محرم»، *كلية العلوم الإسلامية*، العدد السابع، صص ۱۳۰-۱۱۲، ۱۴۳۳-۲۰۱۲.

قاسمي، ليلا و محمد مظاهري، «وحدت اسلامي و نقش شعراي معاصر عرب در تحكيم آن»، *نقد ادب معاصر عربي*، دورة ۳، ش ۴، صص ۹۵-۱۲۳، تابستان ۱۳۹۲.

كحالة، عمر رضا، *معجم المؤلفين*، دمشق، مطبعة الترقى، ۱۹۵۷.

محرم، أحمد، *الديوان*، مصر، دارالكتب الإسلامية، ۱۹۶۳.

مصطفي، ابراهيم، *المعجم الوسيط*، تهران، مرتضوي، بی تا.

مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا، ۱۳۸۹.

معین، محمد، *فرهنگ معین*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱.

موسوی خمینی، روح‌الله، *صحيفة نور*، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۵۹.